

Andreas von Bülow - In Namen des Staates

آندراس فن بولو - به نام دولت (کشور)

Piper München Zürich

Andreas von Bülow متولد سال ۱۹۳۷ میلادی در شهر درسدن واقع در آلمان، از ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۶ عضو بوندستاگ (مجلس آلمان)، و همچنین عضو کمیسیون کنترل سرویس اطلاعاتی بود. از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ منشی دولتی مجلس در وزارت دفاع، از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ وزیر پژوهش و فنون، از ۱۹۹۴ تا کنون وکیل دادگستری در بن.

اقلیت‌های قومی

سازمان‌های اطلاعاتی ابرقدرت‌ها و همچنین قدرت‌های قدیمی استعماری، از اقلیت‌های قومی و اجتماعی برای تأثیر و تضعیف حریف استفاده می‌کنند. آنها از کوشش رهبران‌شان برای خودمختاری و یا کشوری مستقل حمایت و گروه‌های مسلح را درجنگشان با اسلحه، پول، آموزش، پند و عمل، کمک می‌کنند (۱). اقلیت‌ها با کمال میل دست نجات سازمان اطلاعاتی خارجی، کشوری را که با دولت کشور خود مشکل دارد، می‌گیرند، با شعار «حتی دشمن سیاست خارجه دشمن من، دوست من هست» (۲). مخصوصاً قدرت‌های استعماری در تاکتیک تسلط ازین روش استفاده می‌کردند. برای صرفه جویی در کنترل یک منطقه بزرگ با جمعیت کثیر، یعنی بدون استفاده زیادی از سربازان خودی، همیشه برایشان مفید بود که از اقلیت مناسب و جنگجو در ارتش و پلیس مستعمره بهره بگیرند. به آنها همیشه اسلحه و دیگر اسباب قدرت برای کنترل کردن اکثریت مردم داده میشد، و اقلیت‌ها هم از لحاظ مادی و حفاظت شخصی به قدرت‌های استعماری وابسته می‌شدند.

در آخرین نزاع قومی در یوگوسلاوی سابق احساسات عمیق کینه اقلیت و اکثریت‌هایی که مدت‌ها متوصل به کنستانتینوپل/استانبول، وین/برلین، پاریس/لندن/واشینگتن بودند دوباره شعله ور شدند (یعنی اقلیت و اکثریت که وابسته به قدرت‌های زمان بودند هردفعه با کمک و برانگیختن حس نفرتشان توسط قدرت‌های زمان به جان همدیگر می‌افتادند و دفعه آخر هم به احتمال زیاد همینطور بود. آرمین). اقلیت‌ها از خارج برای تحت تأثیر قرار دادن اکثریت مورد استفاده قرار می‌گیرند. اکثریت هم که تحریک شده با منزوی و طرد کردن و حتی کشتار قومیه اقلیت، انتقام می‌گیرد. جزء به جزء کردن بحران از خارج، تامین کردن آشتی ناپذیری، پاداش دادن برای بحرانی کردن وضعیت، زندگی در کنار یکدیگر را تحمل ناپذیر می‌کند. اگر از خارج دخالت نشود، شرکا می‌توانند با هم کنار بیایند. اکثریت‌ها دست و دل بازتر با اقلیت‌ها رفتار می‌کنند و اداره خودشان را به آنها تحویل می‌دهند. اگر اقلیت‌ها صلحجویانه خواستار حقوقشان شوند، دولت مرکزی راحتتر خودمختاری بهشان می‌دهد و حقوق بشر را رعایت می‌کند. ولی شیوه فشار تقسیم کن و حکومت کن، «*divide et impera*»، از خارج ریشه صلح را نابود می‌کند.

یک مثال دیگر کردها هستند که هنگام جنگ جهانی اول انگلیس و فرانسه برای مبارزه با دشمن مشترک عثمانی به آنها قول یک کشور مستقل داده بودند. در سال ۱۹۱۸ سر قول خود نماندند. از آن زمان تاکنون این سرنوشت کردهاست که بعنوان اقلیت در ترکیه، عراق و ایران زندگی کنند و سازمانهای اطلاعاتی کشورهای همسایه و امروزه حتی آمریکا با موفقیت تحریکشان می‌کنند. با تحت فشار قرار دادن گروه‌های کرد، که با هم اختلاف دارند، به نفع و بر ضد ترکیه، عراق، ایران، سوریه و شوروی استفاده می‌شدند و می‌شوند. جای تعجب نیست اگر اینجا سازمان‌های اطلاعاتی مثل سیا و موصاد با پول، تعلیم و اسلحه دست اندر کار باشند. در دهه هفتاد در ببحوجه اختلافات مرزی ایران زمان شاه با عراق، سازمانهای اطلاعاتی آمریکا سالانه با ۱۶ میلیون دلار به قسمتی از کردها کمک می‌کردند، رزمندگان را تعلیم می‌دادند، آنها

را مسلح کرده و در پیکار با بغداد همراهی می‌کردند. تا اختلاف بین ایران و عراق تمام شد، پرداخت پول را قطع کردند و بدینوسیله هستی مادی و تا حد زیادی فیزیکی «مبارزان آزادیخواه» را نابود کردند. ایران ناگهان مرزهای خود را برای عقب نشینی «شورشیان» بست، و این عمل منجر به قتل هزاران مبارز شد و ۲۰۰ هزار آواره مجبور به ترک کردن کشور شدند (۳). وقتی در مورد وظیفه اخلاقی یک ابر قدرت مخاطب قرار گرفت، هنری کیسینجر معتقد بود، نباید عملیاتی مخفی را با کار مبلغین مذهبی اشتباه گرفت (۴). هر قصد بعدی برای نجات متحدین جنگ مخفی توسط معامله یا قراردادی، قربانی سیاست روزانه آن زمان شد (۵).

ارتش عراق در سال ۱۹۹۶ میلادی در استان‌های شمالی بر ضد کردها اقدام نظامی کرد و بدینوسیله یک عملیات کردها که سازمان سیا با ۱۰۰ میلیون دلار تامین مالی کرده و بر ضد صدام حسین در موضع قرار داده بود، منجر به شکست کرد (۶). فقط عده محدودی توانستند نجات داده شوند.

اینکه چطور تحریک و بازی دادن اقلیت‌ها توسط سازمانهای اطلاعاتی می‌تواند ناگهان برای سیاست داخلی آلمان موثر بشود، مثال تامیل‌ها، یک اقلیت شورشی در جزیره سریلانکا، نشان می‌دهد. اواسط دهه هشتاد هواپیماهای اینتر (Inter) و آروفلوت (Aeroflot)، شرکت‌های هواپیمایی بلوک شرق) تامیل‌ها را به فرودگاه شونه‌فلد (Schönefeld) در برلین شرقی می‌آوردند و از آنجا به برلین غربی برای درخواست پناهندگی قاچاق می‌کردند. وقتی که هیجان عموم بخاطر تعداد زیاد تامیل‌ها که از مرز میان شهری برلین، که در قسمت غربی کنترل نمی‌شد، به آلمان فدرال می‌آمدند، شدت گرفت، شویبله (Schäuble) که در آن زمان مدیر دفتر نخست وزیری بود، به شالک (Schalk)، همپای خود در آلمان شرقی گفت: «همه می‌دانند و جزو اسرار به حساب نمی‌آید که اتحادیه احزاب دمکرات مسیحی/ سوسیال مسیحی (CDU/CSU) مشکل حق پناهندگی را در تبلیغات انتخاباتی بعنوان موضوع انتخاب خواهند کرد.» شویبله برای شالک بی‌پرده فاش ساخت: «اگر بتوسط این ماجرا و شاید با حمایت آلمان شرقی موفق بشویم که سوسیال دمکرات‌ها را به تغیر دادن قانون اساسی راضی کنیم، می‌توانیم با تغیر حقوق پناهندگی در آلمان فدرال، مشکل را حل نماییم.» جالبتر اینجاست که در سریلانکا موصاد هم تامیل‌ها را راهنمایی و مسلح می‌کرد، هم دولتی را که بیرحمانه بر ضد آنها اقدام می‌کرد. ایالات متحده به دولت اسلحه‌های ویژه برای سرکوبی شورش تحویل می‌دادند، مخصوصاً هواپیماهایی که آهسته پرواز می‌کردند، از آنها می‌شد به شورشیان شلیک و آنها را با ناپالم بمباران کرد. غیر از این به دولت سریلانکا مشاورین ویژه و سربازان مزدور معرفی می‌کردند. سخن از لشکرکشی منظم برای قلع و قم کردن شده است. موصاد و سیا بایستی در این عملیات با همدیگر کار کرده باشند، برای اینکه گروه موصاد میبایست مخفیانه از مرکز سیا کار خود را انجام می‌داد. تامیل‌ها به هندوستان، در جایی که آنها یک اقلیت مهم منطقه‌ای به شمار می‌آیند، دسته جمعی فرار می‌کردند. گزارش می‌دهند که در آنجا هم سیا اقلیت را به شورش بر علیه دولت مرکزی تحریک می‌کرد (۷) (فقط دقت کنید که اول به دولتی کمک می‌کنند تا مردم خود را سرکوب کند و فراری دهد و بعد در کشور دیگر از این فراریان برای تضعیف دولت استفاده می‌کنند. آرمن). در آلمان بالاخره برای تغیر حق پناهندگی مورد استفاده قرار گرفتند.

جدیدترین مثال برای سوءاستفاده از اقلیت‌ها، قتل عام توتسی‌ها و هوتوها توسط یکدیگر در رواندا و بوروندی هست که در آنجا فرانسه و آمریکا با کمک اقلیت‌ها و سربازان مزدور از آفریقای جنوبی و صربستان بر سر نفوذ، نفت، طلا، مس و مواد اولیه دیگر آفریقا یک جنگ مخفی راه انداخته‌اند (۸).

از زمان رایش سوم (قلمرو سوم) این مثال‌ها وجود دارند: استفاده منظم و اصولی از اقلیت‌ها برای همکاری با ارتش و اس‌اس در تمامی شوروی و اروپای شرقی، هدایت اقلیت‌های آلمانی در چکسلواکی سابق. هنلین (Henlein) رییس آلمانی‌های سودت (Sudetendeutsch) بعنوان عضو اس‌اس برای مقابله بدون مصالحه با اکثریت چکی نگه داشته شده بود که سرانجامش تصفیه قومی ناحیه بعد از شکست آلمان بود. تاریخ در فن کاربرد قدرت از یک طرف و تسلط، چه پارسی، رومی، بریتانیایی، فرانسوی، آلمانی و یا در حال حاضر آمریکایی، از طرف دیگر تکرار میشود. ابزار سرویس‌های مخفی شبیه هم می‌مانند. نتایج هم تا امروز حساب شده هستند.

(۱) درباره هدف دستکاری عملکردهای اقلیت‌ها مراجعه شود به:
Richard Bissell, Dirty Work 2 (رئیس قسمت عملیات پنهانی سیا)

(۲) چند مثال: CAIB 29 (Covert Action Information Bulletin) Page 49
Hugh Deane, The Cold War in Tibet; گروه‌های آدمکش خمر سرخ،
اپوزیسیون در اتیوپی. مقایسه شود با Philip Agee CAIB 29 page 66

(۳) مقایسه شود با CIA The Pike Report page 17 & 196

(۴) Pike Report page 17

(۵) کمیسیون پایک تمام ماجرا را یک اقدام بدبینانه نامید.
CIA The Pike Report page 198

(۶) Spies Like Us, The Nation, 07.10.1996;
Andrea Böhm, CIA gegen Saddam: Viel Geld für nichts, taz,
16.09.1996;
R. Jeffrey Smith, CIA Abandoned Kurd Clients, NHT,
09.09.1996; NHT, 16.09.1996

(۷) مقایسه شود با: Ben-Menache, Profits of war, page 318
همچنین Ostrovsky, Geheimakte Mossad, seite 53
همان کتاب صفحه ۱۷۲: عملیات موصاد از میان یک ایستگاه سیا و با همکاری یک
هیئت اعزامی آمریکایی برای سعی در ربودن رهبران تاملیل با مأموریت دولت
سريلانکا. عنوان انگلیسی کتاب: The Other Side of Deception
Richard Greenberg, Sri Lanka Lurches Toward Civil War, The
Nation, 30.11.1985; Washington Times, 22.10.1994
مزدور انگلیسی، که قبلاً جزو واحد ویژه ارتش بریتانیا (S.A.S Special Air
Service) بودند، ارتش دولتی بیرحم را درباره شیوه‌های «لازم» شکنجه تعلیم
میدادند.

تاملیل‌ها یک گروه ده هزارنفره را در لبنان تعلیم دادند که خرجش را که پرداخت نامعلوم
است. درباره تأمین مخارج توسط قاچاق هروئین مراجعه شود به:

Sri Lanka: The Tigers and Heroin Money, The Drug Dispatch,
No. 64

India: The Tamil Nadu Connection, The Drug Dispatch, No. 69

(۸) زمینه سازمان سیا در نیمه دوم دهه ۷۰ میلادی
Rene Lemarchand, The CIA in Africa: How Central? How ?
Intelligent
Alex Beam, Kissinger, Upstairs-Downstairs, The Nation,
15.10.1977

ترجمه: آرمین گیلِه مرد

<http://gilehmard.blogspot.com>

ویرایش: پانته آ

<http://ghorbatestan.blogspot.com>